

## گفتگوی ویژه ماهنامه انسل با یک

### عکاس

سارا عبداللهی

## نخستین زن عکاس ایرانی در هم‌آوردی های المپیک

عکس های ویژه المپیک ۲۰۲۴ پاریس که در اینجا آورده می شود، برگرفته از بایگانی عکس سارا عبداللهی در کمیته ملی المپیک ایران است.

@S\_ABDOLLAHI109

سارا عبداللهی از آن دسته عکاسان خبری توانا در ایران است که کار عکاسی را بر پایه دلبستگی هایش برگزیده و چه بسا، همین شور و توانایی هایش، افزون بر آزموده های کاری بسیاریش، او را عکاسی چیره دست و در کارش پیروز کرده است.

تازه از همراهیش با کاروان ورزشکاران ایرانی در پاریس در جایگاه عکاس ویژه کمیته ملی المپیک ایران، با دستی پر از عکس و خبر، از هم‌آوردی های المپیک ۲۰۲۴ بازگشته است که با او، پای گفتگو می نشینیم.

در آغاز از خودتان برایمان بگویید، چگونه با هنر عکاسی آشنا شدید و چه گام هایی را در این راه پیموده اید تا اکنون که در جایگاه یک عکاس چیره دست سرگرم کار هستید؟

از کودکی دلبسته هنر بودم. از همان زمان خط خوشی داشتم و نقاشی هم خوب می کشیدم. هنگامی که در دوره های دبستان و راهنمایی آموزش می دیدم، پرداختن به هنر، به گونه ای دلخوشی من بود و همیشه مایه آرامشم می شد. با این همه، به هنرستان نرفتم و در دبیرستان و در رشته دانش های مردمی (علوم انسانی)، آموزش را دنبال کردم. پس از آن هم در دانشگاه، روانشناسی بالینی خواندم و آن را تا کارشناسی ارشد پیگیری کردم. در همان زمان و هنگام دیدارهای روانکاوی، با ژرف اندیشی درباره گرایش های درونیم و آنچه به آن بیشتر دلبستگی دارم، دریافتم که هنر و به ویژه عکاسی، همانی است که در زندگی دنبالش بوده ام. بر همین پایه، جستجویی را آغاز کردم تا هنر عکاسی را آموزش ببینم و در این میان، با پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران و دوره های آموزش عکاسی آن آشنا شدم که ویژه دانشجویان برپا شده بود.

روی هم رفته، پنج دوره بود، که با عکاسی آنالوگ و سیاه و سفید آغاز می شد. عکاسی می کردیم، سپس در تاریکخانه نگاتیو ها را باید خودمان آشکار سازی می کردیم. یاد می آید که زمانی که نگاتیوها رفته رفته آشکار می شدند و عکسی که گرفته بودم، از چاپ بیرون می آمد، از دیدنش به شور می آمدم و بی گمان می شدم که همین هنر عکاسی همان دلبستگی زندگی من و پیشه ای است که از آن خسته نخواهم شد.

### در آن دوره ها چه چیزهای دیگری در زمینه عکاسی آموزش داده می شد؟

همه چیز! برای نمونه: چگونگی بررسی عکس (نقد عکس) یکی از آنها بود. اگرچه، پس از پایان دوره کارشناسی ارشد، با راهنمایی استادان دانشگاهم در رشته روانشناسی، دریافتم که برای بهتر آموختن هنر، باید پژوهشی هم در تاریخ داشته باشم. به نمایشگاه های هنری بسیاری سر می زدم و کوشش می کردم تا با دیدن کارهای هنری گوناگون، بیشتر بیاموزم. دیدن تیاترهای ارزشمند، فیلم های خوب، خواندن سروده ها، چامه ها، داستان های و نوشته های نویسندگان برجسته، همه اینها کارهایی بود که در آن زمان برای گسترش چند سوپیه-نگری به جهان هنر، با آنها درگیر شدم. چه بسا، آموزش هایم در همین جا پایان نیافت و پس از آن، دوره آموزش عکاسی دیجیتال و نیز عکاسی آتلیه را هم گذرانم تا اینکه در این میان با دوستان خوبی که در ژانر عکاسان خبری کار می کردند، آشنا شدم. دوره عکاسی خبری را هم گذراندم و در اینجا بود که به گونه ای ویژه تر، عکاسی خبری ژانر برگزیده من شد. سال ۱۳۹۳ بود که دیگر برآن شدم که به گونه ای چیره دستانه تر وارد جهان عکاسی خبری بشوم، در همان هنگام، بسیاری از استاد های من، این گوشزد را به من می کردند که در عکاسی خبری، پول چندان نیست و عکاسی آتلیه بهتر است؛ ولی من گزینش خودم را کرده بودم و عکاسی خبری را بیشتر دوست داشتم؛ چون هر روز چیز تازه ای به آزموده هایم افزوده می شد، با آدم هایی برخورد می کردم و آشنا می شدم که تا پیش از این نمی شناختمشان و همه اینها، مانند آن چیزی بود که پیش از آن در جهان کتاب هایم با آنها روبرو بودم. برای همین، میان پول بیشتر یا سر و کار داشتن با آزموده های گوناگون تر و بهتر، دومی را برگزیدم و اینگونه بود که عکاسی خبری شدم.

### نخستین کار شما در جایگاه عکاسی خبری چگونه رخ داد؟

سال ۱۳۹۴، من عکاس خبری تارنمای "موسیقی ما" شدم. این تارنما، یک بستر ویژه برای موسیقی در ایران بود. همکاری با "موسیقی ما"، به راستی سرگرمی چیره دستانه خوشایندی بود، چرا که من درگیر کاری شدم که در آن باید هنر موسیقی و عکاسی را در هم می آمیختم. اگرچه در این کار، چالش های ویژه ای هم بود، مانند اینکه در دوره هایی مانند ماه های محرم، صفر و رمضان، رویدادی در پیوند با موسیقی برگزار نمی شد و به دنبال آن، من هم کاری برای عکاسی کردن نداشتم. از همین رو، کوشش کردم تا در یک خبرگزاری کلان تری سرگرم کار شوم. آن را پیگیری کردم و به دنبالش، در سال ۱۳۹۵، به خبرگزاری برنا پیوستم که تا اکنون هم در همین رسانه، سرگرم کار عکاسی خبری هستم. این را هم بیافزایم که خبرگزاری برنا، رسانه ای با سرپرستی دیوان



(وزارت) ورزش و جوانان است که پوشش رویدادهای ورزشی، یکی از رویکردهای برجسته آن است و من هم بر همین پایه، در بسیاری از همین رویدادهای ورزشی در جایگاه عکاس خبرگزاری برنا کار کرده ام. ولی کار عکاسی من تنها به ورزش کوتاه نمی شود و در سایر زمینه های خبری، مانند: خبر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، روزانه سرگرم کار هستم. سرپرست عکسی که در خبرگزاری برنا با او کار می کنم، آقای فرزام صالح هستند که گفتگو با ایشان درباره کم و کاستی هایی که در عکس هایم بوده، همواره، انگیزه ای برای پیشرفت در کارم شده است و به همین گونه، کار عکاسی من، روز به روز بهتر شده است. بردباری در کار و همیشه آموختن و آزمودن که در این سالها همراهم بوده اند، هم برایم خوشایند بوده اند و هم به چیره دست شدنم در عکاسی یاری رسانده اند. به گمان، دستاورد همه اینها در درازای این چند ساله بوده است که مرا به جایی رسانده تا برگزیده شوم و به المپیک ۲۰۲۴ پاریس فرستاده شوم.

با نگرستن به عکس های شما، اینگونه در می یابیم که موسیقی و تیاتر از دسته جستارهای هستند که دلبسته آن هستید. در این عکس ها، بیشتر، چهره نگاری هایی زیبا از هنرمندانی می بینیم که یا سرگرم انجام کار هنری خود هستند و یا تازه از آن دست کشیده اند، تا چه اندازه به چنین سوژه هایی نزدیک هستید؟

همیشه به موسیقی و تیاتر دلبسته بوده ام. بارها پیش آمده است که در روز به سختی سرگرم کار عکاسی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی بوده ام، ولی شب هنگام که برای دیدن و عکاسی کردن از یک برنامه موسیقی یا تیاتر رفته ام، همه خستگی کار روزانه ام با آن به در شده. راستش، در زندگی هیچگاه پیش نیامد که هنرهایی مانند موسیقی و تیاتر را آموزش ببینم و سرگرم آنها بشوم، با این همه، دلبستگی من به این هنرها هیچ زمانی کم نشده است و همواره آنها مایه شادمانی من در زندگی شده اند.



عکسی از شما هست با نام "سمفونی خاموش" که یک خانواده چهار نفره را نشان می دهد که همگی سرگرم ویولن نوازی هستند. هر چند که عکس می توانست در اندازه یک عکس یادگاری خانوادگی ساده بماند، ولی ژست ها و خوشی نمایانی که در پرسناژها بازتاب پیدا کرده است، از آن عکسی برجسته ساخته، به ویژه زمانی که پی می بریم که این عکس در دوره همه گیری کوید ۱۹، درگیری مردم با این آشفتگی و نیز مرگ آلود شدن زندگی مردم، گرفته شده است. در انبوهه عکس "زنان نوازنده" که در همین دوره عکاسی کرده اید و این عکس هم بخشی از همان پیرنگ است، به دنبال نشان دادن چه چیزی بوده اید؟

"سمفونی خاموش" را چهار سال پیش عکاسی کرده ام. انبوهه عکس، دربرگیرنده پرتله هایی از چهل نوازنده زن ایرانی است که من آنها را در خانه هایشان عکاسی کرده ام. برای این درون خانه را در پیرنگ کارم گنجاندم، چرا که می خواستم افزون بر زن نوازنده ایرانی، داده هایی درباره خانه ایرانی، چیدمانی درونی آن، رخت ها و جامه ها و چیزهایی دیگر از این دست، در عکس هایی که می گیرم، گنجانده شوند. این کار، انگیزه ای می شود تا این عکس ها در سالهای دراز در آینده، بتوانند فرهنگ ایرانی را به گونه ای رساتر به آیندگان بشناسانند. در آغاز، با جستجو، نوازنده های زنی که سازهای گوناگون را می نواختند، پیدا کردم، ولی با گذشت زمان، با نوازنده های



دیگری که با سوژه های عکاسیم در پیوند بودند هم آشنا شدم و کار را به پیش بردم. این دامنه کارم را بسیار گسترده تر کرد، همچنین گوناگونی بیشتری به سوژه هایم داد. برای نمونه: مادر و دختر نوازنده در کنار هم، زن و شوهر هنرمند، نوازنده ای در کنار جانور خانگی و یا همین عکسی که در پرسش از آن یاد کردید که یک خانواده هنرمند است، "مهوش عسگری" در کنار همسر و فرزندانش. باید این را هم بازگو کنم که من افزون بر کارم، زمان بسیار خوشی در کنار سوژه هایی که همگی هنرمند و نوازنده بودند، داشتم. همچنین، باید از همکاری ارزشمند هنرمندان زن و پیشوازی آنها در این پیرنگ نیز سخنی بگویم که آنها چگونه در زمان چالش برانگیزی چون دوره همه گیری کرونا، با روی خوش من را برای عکاسی به درون خانه هایشان راه دادند و با خوشرویی مرا در گرفتن عکس های بهتر یاری رساندند. از همین رو است که انبوهه عکس "سمفونی خاموش" یکی از بهترین کارهایم در عکاسی به شمار می آید و بسیار دوستش دارم.

عکاسی خبری، یکی از شاخه های سخت و پرچالش در این هنر به شمار می آید؛ به گمان، این چالش ها برای عکاسان زن باید بسیار بیشتر باشد. چگونه با این سختی ها کنار آمده اید و اینچنین در مسیر کامیابی های چیره دستانه خود گام برداشته اید؟

بله، درست است! عکاسی خبری به راستی از شاخه های سخت کاری به شمار می آید و به ویژه برای زنان چالش برانگیز تر است. چیزی که ما زنان را در این راه ننگه داشته است، بردباری و پایداری در برابر سختی ها است. من خود این را به خوبی آزموده ام که با گذشت زمان، هر چه در کارم پیشرفت کرده ام و چیره دست تر شده ام، آن سختی ها و ناسازگاری ها برایم کمتر شده اند. گمانی نیست که آن رفتارهای بدی که در هنگام کار کردن با آنها روبرو می شدم، مرا رنجانده اند و یا دست کم در آن زمان پریشانم می کردند، ولی امروز که به آنها می اندیشم، می بینم که همه آنچه رخ داده، بخشی از راهی بوده است که باید برای پیشرفت، می پیمودم. به راستی، من از همه این پیشآمدها چه خوب و چه بد، برای بهبود کارم چیزهایی آموخته ام. بگذارید اینجا نکته ای را هم درباره کار زنان ایرانی بیفزایم، ما درگیر گونه ای از دیدگاه فرهنگی هستیم که به زنان در کار، به چشم دیگری نگاه می کند و همین، مایه آن می شود که زنان برای پیشرفت در هر کاری ناچار باشند، بسیار بیش از مردان کوشش کنند. از همین رو، زمانی که زنی را می بینیم که در کاری پیروز شده است، این نشانی از پشتکار بالا و جنگجو بودن و پایداری بسیارش در برابر سختی هایی است که با آنها روبرو بوده. بیشتر زمان ها، این گونه زنان، سدشکن هستند و راه را برای دختران و زنان جوانی که در آینده به میدان می آیند، هموارتر می کنند. افزون بر آن، اگر آنها بتوانند، با کار و پیروزمندی خود، دیدگاه های فرهنگی جامعه را هم درباره کار زنان دگرگون کنند، این نیز گام بلندی خواهد بود.

آیا به ورزش هم علاقه مند هستید؟ چقدر عکاسی ورزشی با دلبستگی های شما نزدیک است؟

بله، ورزش را دوست دارم و به ویژه شنا که زمانی سرگرم آموزش دیدن آن بودم. واگذاری بخشی از زمان روزانه برای ورزش کردن، در سرزندگی و خوی خوش داشتن به راستی کارساز است. چه بسا، زمانی که سرگرم عکاسی از تکاپوهای ورزشی هستم، همین نیروی ویژه و خوشی، در درونم دریافت می شود. برای همین است که این بخت را دارم که اگر کمتر ورزش می کنم، ولی عکاسی ورزشی تا اندازه ای همان شادابی و سرزندگی را به من می رساند. بارها پیش آمده که زمانی که عکاسی از یک ورزش من را شاداب



و سرخوش کرده است، به سختی دلبسته آن شده ام که بروم و آن ورزش را بیاموزم و سرگرم آن شوم. به گمان این یکی از ویژگی های دلنشین عکاسی ورزشی است.

بودن شما در المپیک ۲۰۲۴ پاریس در جایگاه عکاس ورزشی، چگونه ای یک رویداد ویژه در تاریخ عکاسی ایران قلمداد می شود و شما را در رده نخستین عکاس زن ایرانی می گذارد که این رخداد برجسته جهانی در ورزش را با عکس هایش بازتاب می دهد. فکر می کنید این جایگاه و آزموده، تاثیری در آینده کاری شما در عکاسی به جا بگذارد؟ آیا در آینده به عکاسی ورزشی، همچون یک شاخه ویژه، خواهید پرداخت؟

عکاسی از رویداد المپیک برای من آزموده بسیار بزرگی بود. در درازای سه هفته ای که سرگرم کار عکاسی از همآوردی های المپیک بودم، همه کوشش خودم را کردم تا بهترین کار شدنی را انجام دهم. اینکه عکاسی المپیک، چه اندازه در آینده کاری من کارساز است را باید گذاشت تا آینده آن را روشن کند، ولی باور دارم که این آزموده های تازه، هر روزم را بهتر از دیروز می کند. امیدوارم که آن چیزهایی که در این دوره از کارم با آنها برخورد داشتم و دریافتم که نیاز به آموختن بیشتر آنها دارم را، بتوانم دنبال کنم و بیاموزم.

پس از المپیک، آیا عکاسی ورزشی را بیشتر دنبال نمی‌کنید؟

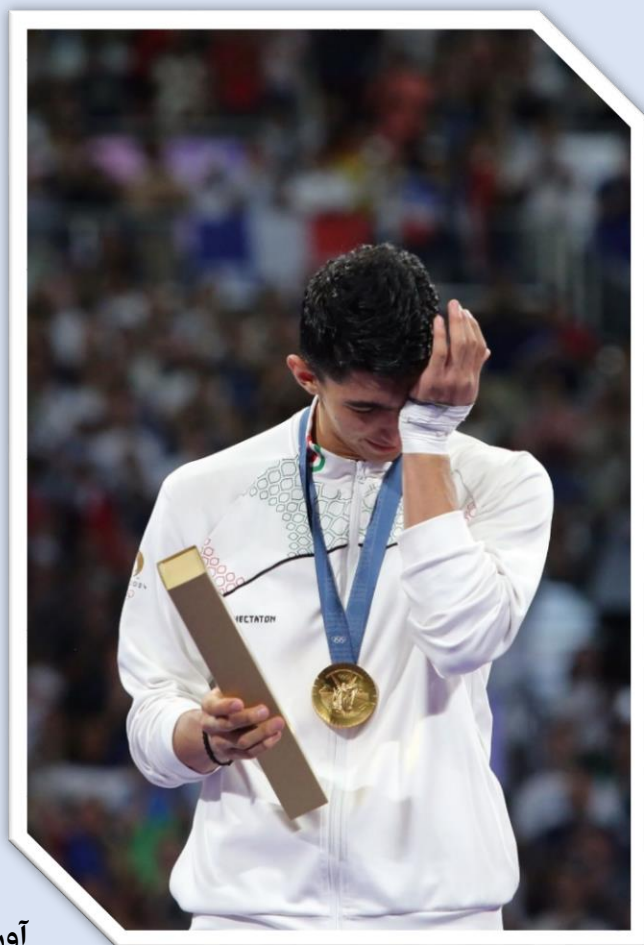
بی‌گمان آن چیزهایی را که در این دوره آزموده و آموخته‌ام را در عکاسی ورزشی بگونه‌ای چیره‌دستانه‌تر، بکار خواهم گرفت و آن را دنبال خواهم کرد. برای نمونه، من در این سه هفته با ورزش‌هایی برای عکاسی روبرو بودم که تا کنون با آنها آشنایی زیادی نداشتم. بنابراین، اکنون و پس از بازگشت از المپیک، به گونه‌ی بهتری می‌توانم عکاسی از چنین ورزش‌هایی را پیگیر شوم.



رضا علی پور، سنگ نورد برجسته ایرانی، پس از ناکامی در به دست آوردن مدال، از دور و از این جایگاه به تماشای مدال اوران این رشته ایستاده است. عکس: سارا عبداللهی، کمیته ملی المپیک ایران

از بودنشان در دل رویدادهای المپیک بگوئید، آیا در روز بارانی و پر آمد و شد جشن بازگشایی، کامیاب به عکاسی از آن هم شدید؟

عکاسی از ورزشکاران ایرانی در میانه هم‌آوردی‌های المپیک پاریس، به راستی کاری یکتا و خوشایند بود. هنگام عکاسی از هر هم‌آوردی، پیوسته بازی را دنبال می‌کردم و نگران برد و باخت ورزشکار کشورمان بودم. همین، مایه شور و همچنین دلهره‌ام می‌شد، چنانچه، هم‌کار ورزشکاران را دنبال می‌کردم، هم نمایشگری که برتری ورزشکاران را نشان می‌داد، هم کوشش می‌کردم که دل شوره‌ام را مهار کنم و هم، هم‌زمان کار عکاسی را انجام می‌دادم. این، همان چیز نابی بود که من در حال آزمودنش بودم. یادم می‌آید در همان هم‌آوردی که آرین سلیمی اگر برنده می‌شد، به پیکار پایانی برای به دست آوردن مدال زرین راه می‌یافت، چنان دل شوره‌ای داشتم که در هنگامه‌های پایانی بازی که برنده شدن آرین بی‌چون و چرا شده بود، اشک از چشمانم سرازیر شد و من با چشمانی اشک‌آلود داشتم از این هنگامه شورانگیز عکاسی می‌کردم. پس از هر پیروزی که ورزشکاری ایرانی به دست می‌آورد، یک شادابی و خودباوری بسیاری در من پدیدار می‌شد. همین شادی هویدا در من، دست اندرکاران و یاری‌رسانان ورزشگاه‌ها را هم به شور می‌آورد و آنها به من شادباش می‌گفتند. فراز این شادابی‌ها زمانی بود که من باید از بالا رفتن ورزشکار کشورمان از جایگاه مدال اوران عکاسی می‌کردم. من چهار روز پی‌پی در هم‌آوردی‌های تکواندو بخت آن را داشتم که تا دیر هنگام در ورزشگاه بمانم و در پایان هم مدال آوری ورزشکاران کشورمان را عکاسی کنم. در چنین هنگامه‌هایی، عکاسان دیگری که در ورزشگاه بودند، برای عکاسی که ورزشکار کشورش مدال آور است،



ارج بیشتری می‌نهادند و می‌گذاشتند تا او در بهترین جا و نزدیک‌تر به ورزشکاران عکاسی کند. فراز همه اینها، آن شبی بود که آرین سلیمی مدال زرین گرفت و همه ما و به ویژه خود او، از چشمانش اشک شادی، بالندگی و سرافرازی سرازیر شد. همینجا آرزو می‌کنم که چنین هنگامه‌های نابی برای هر عکاسی دیگری هم رخ دهد.

در آن شب که جشن بازگشایی بود، برای اینکه شمار گذرانه هایی که به ما خبرنگاران داده بودند، اندازه ای نبود که به همه برسد، برای همین، من به جایگاه ویژه در کنار رودخانه سن نرفتم، ولی همان شب در خیابانی در شهر پاریس، رویداد را از نمایشگر بزرگی که در یک چایخانه بود، نگاه کردم. در این چایخانه، مردمی از کشورهای گوناگون نشسته بودند و کاروان ورزشی هر کشوری که می گذشت، آنها دست می زدند و شادمانی می کردند. من کاروان ورزشکاران ایرانی را از همان نمایشگر دیدم و از آن هنگامه عکسی هم گرفتم که آن را به یادگار دارم.



چه پشتیبانی هایی را برگزارکنندگان فرانسوی المپیک برای خبرنگاران و عکاسان فراهم کرده بودند؟ آیا دسترسی شما به جایگاه ویژه برای عکاسی از هموردی های ورزشی به آسانی فراهم بود؟ آیا این دسترسی، تنها برای هموردی های ورزشکاران ایرانی بود و یا فراتر از آن، می توانستید در همه رویدادهای گوناگون ورزشی در المپیک باشید و عکاسی کنید؟

ای او سی (IOC) کمیته جهانی المپیک، به همه ما خبرنگاران که از کشورهای گوناگونی برای پوشش المپیک ۲۰۲۴ به پاریس آمده بودیم، برگه ویژه خبرنگاری داده بود که با آن می توانستیم به همه ورزشگاه ها برویم و از رویدادهای گوناگون در دوره المپیک عکاسی کنیم. این پروانه، تنها ویژه هموردی های ورزشکاران ایرانی نبود و من می توانستم با آن در هر رویداد المپیکی دیگری هم عکاسی کنم. از دیگر دستگیری هایی که برای ما خبرنگاران فراهم کرده بودند، گروه یاری رسانان بودند که در هر ورزشگاهی دیده می شدند و برای نمونه، جایگاه های ویژه عکاسان را به ما نشان می دادند و هر کار دیگری اگر نیاز بود، برای ما انجام می دادند.





چیز دیگری هم بخواهم افزون بر اینها بگویم، برگه ویژه بهره مندی از شبکه رفت و آمد همگانی، مانند اتوبوس و قطار درون شهری بود که به رایگان و در همان فرودگاه، هنگام ورود به شهر پاریس به ما دادند که برای رفت و آمد به ورزشگاه ها بسیار سودمند بود. بگذارید یکی از دستگیری هایی که در پیوند با عکاسی هم هست را بویژه تر برای شما بازگو کنم. نه تنها در دوره بازی های المپیک، چه بسا در دیگر همآوردی های بزرگ جهانی مانند جام جهانی فوتبال و یا همآوردی های بزرگ دیگر، سازندگان دوربین و ابزار عکاسی مانند کنون، نیکون و سونی در کانون های ویژه خبری، دفتر کاری بر پا می کنند و دوربین عکاسی همراه یک لنز را برای دو روز به عکاسان می سپارند تا با آن کار کنند و پس از پایان این زمان هم، چنانچه نیاز باشد می شود درخواست دنباله دار کردن نگهداری آنها را داشت و یا اینکه با دوربین و لنز دیگری آنها را جایگزین کرد که به راستی یک پیشیانی بسیار سودمند در کار ما خبرنگاران عکاس به شمار می آید.

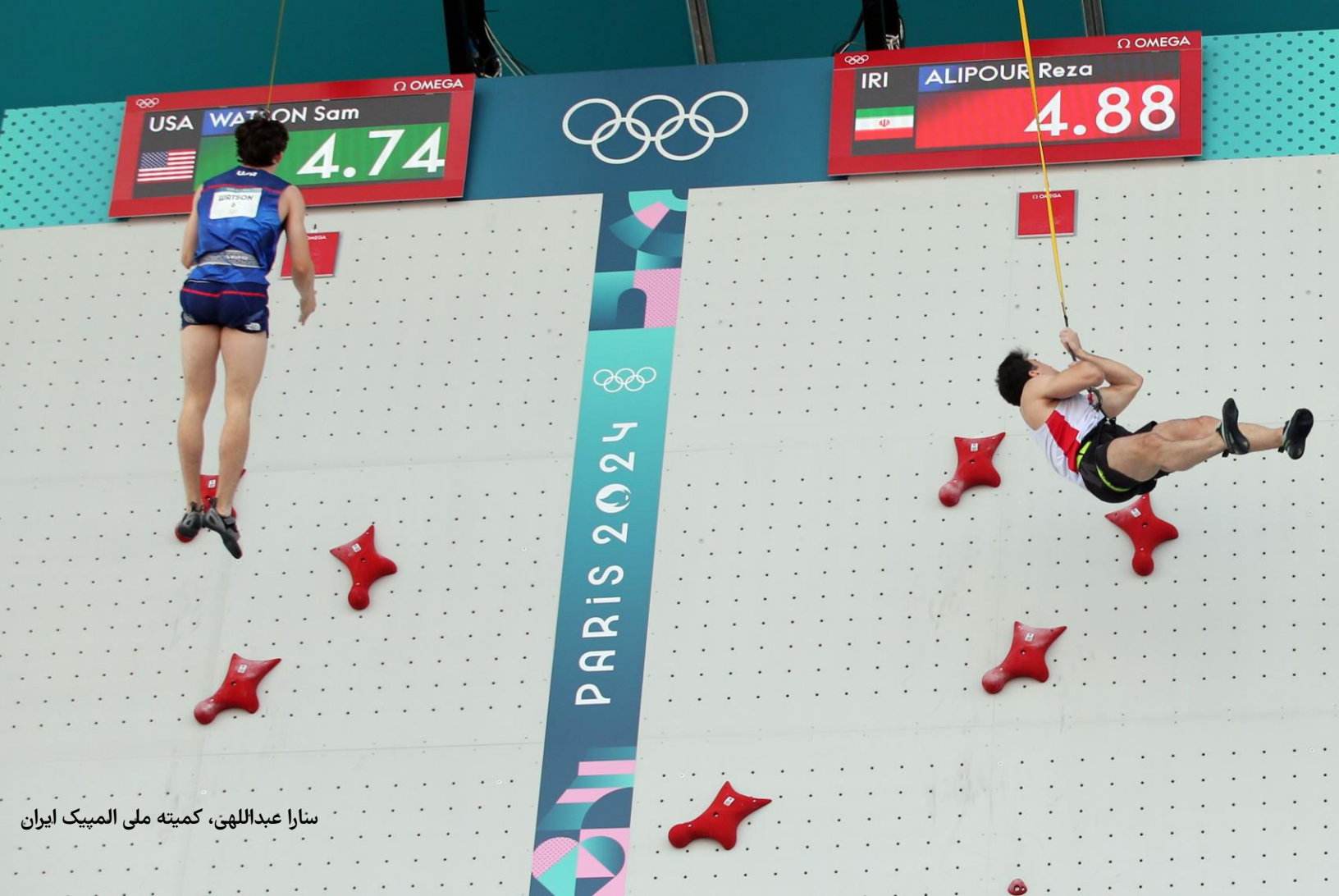
در پایان می خواهم برای خوانندگان ماهنامه انسل، به ویژه آنها که دوستدار گرایش عکاسی از رویدادهای خبری و ورزشی هستند، این نکته را از زبان شما بشنویم که در این شاخه از عکاسی، چه اندازه ابزار کار مانند لنز و دوربین یاری رسان هستند و چه اندازه دیگر چیزها که شما می توانید بر پایه آزموده ها و آموخته های خود برای ما بازگو کنید؟

بی چون و چرا، لنز و دوربین ابزار نیازین در کار ما هستند. نمی توان از کارسازی کیفیت لنز و دوربین در دستاورد کار چشم پوشی کرد و یا آن را نادیده گرفت، ولی نکته در اینجا است که هر عکسی، پیش از آنکه با دوربین و لنز گرفته شود، در ذهن عکاس ساخته می شود و چهارچوب پیدا می کند. نکته دیگر، نخست، شناخت ابزار کاری که باید برگزیده شود و سپس شناخت جستاری که عکاسی از آن انجام می شود، ارزش بسیاری در کار دارند. این شناخت دربرگیرنده همه ریزه کاری ها می شود، مانند آدم هایی که با آنها سر و کار خواهیم داشت، زمان و جایی که در آن عکاسی می کنیم و ... آگاهی بر این ریزه کاری ها، بسیار ما را در بهتر انجام دادن کارمان یاری می رساند. از سوی دیگر، عکاسی، رشته ای در پیوند با آدم ها است، توانایی در برخورد درست با دیگران در پیشبرد کارها بسیار کارساز است. چگونگی آغاز یک برخورد و گفتگو، گفت و شنود نخستین و همه این چیزهایی که شاید ساده دیده شوند، ولی نکاتی هستند که بی گمان در پیشه ما، کارساز خواهند بود. به یاد داشته باشیم که آنچه در درون ما و خوی ما هست، ناخودآگاه به درون عکس هایمان تراوش می کنند.

در پایان به خوانندگان ماهنامه شما پیشنهاد می کنم که برای بهتر شدن در کار عکاسی، هر روز عکس های خوب ببینند، اگر به ژانر ویژه ای در عکاسی دلبسته هستیم، درباره همان ژانر، همیشه عکس خوب ببینیم. چه بسا فیلم خوب دیدن هم بسیار سودمند است. افزون بر آن، دنبال کردن خود رویدادها هم دارای ارزش است. برای نمونه اگر عکاسی ورزشی می کنید، رویدادهای ورزشی را هم با کنجکاوی دنبال کنید. پس از عکاسی کردن، عکس ها را موشکافی و بازبینی کنید و کوشش کنید که خود و یا با دوستان، کارشناسان و یا سرپرست های بخش عکس در گاهنامه، خرده ها و کم و کاستی های کارتان را پیدا کنید. نیک گمان باشید که این شیوه در بهبود کار شما بسیار کارساز خواهد بود.

انسل: با سپاس فراوان از زمانی که برای این گفتگو به ما دادید.

سارا عبداللهی: من هم از پیش آمدن این زمان برای گفتگو و بودن در این شماره از ماهنامه انسل خرسندم و سپاسگزاری می کنم.



سارا عبداللهی، کمیته ملی المپیک ایران



سارا عبداللهی، کمیته ملی المپیک ایران